



در دنیا هم سینمای ضد آمریکا داریم؟

جایی برای

یانکی هانیست



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

سینما محصولی غربی است و این آنهايند که ابزار و وسايل مرتبط با سینما را براساس نیازهای خود و برای به زیر کشیدن جوامعی که سرکش خطایش می‌کنند مورد ابداع و استفاده قرار می دهند. یکی از اهداف صنعت سینمای هالیوود نیز مسطح کردن زمین فرهنگ در اجتماعات غیرهمسان از راه دست گذاشتن روی شکاف‌های میان دولت و ملت است و در این مسیر تقریباً قائل به وجود و حضور هیچ رقیبی نیست و آنچه‌ان هم نمی‌توان با جذب پول و ساخت فیلم‌هایی که حداقل در بُعد سینمای محافظه‌کارانه ژانر ساخته می‌شوند به مقابله با آثار مخرب فرهنگی سینمای آمریکا پرداخت اما انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ یک آلترناتیو بزرگ برای آزادگان جهان بود و توانست سد عدم مقابله با با غرب فرهنگی و نظامی را بشکند و در زمینه‌های مختلف سرآمد باشد. بعدازاین واقعه به‌غایت بزرگ، لایه جاسوسی یا همان سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد و جنبش های آزادی بخش در دنیا هم رفته‌رفته بر شدت مبارزه‌شان با امپریالیسم آمریکا وسعت بخشیدند، این اتفاقی نبود که تنها ابعاد نظامی داشته باشد و فرهنگ و سینما هم بخش مهم و تأثیرگذاری از این موج پایدار به حساب می‌آمدند (و همچنان می‌آیند). در معرفی آثار ضدامپریالیستی و ضدآمریکایی باید به این نکته توجه ویژه داشت که اغلب آنها رغبت چندانی بر استفاده از فرم‌های از پیش موجود و قرار دادن منظور خود در ظرف سینمای محافظه‌کار و عمیقاً ایدئولوژیک ژانر نداشتند و اگر هم درصد جذب سلیاق مردم عادی برمی‌آیند حتماً در لایه‌های محذوف‌تر آثارشان رگه‌هایی از ایجاد نظم جدید را به نمایش می‌گذارند؛ اما در طرف دیگر ماجرا فیلم‌هایی‌اند که روی دیگری از مخالفت‌را نشان می‌دهند، آنها معمولاً در بُعد مضمون خلاف جهت رودخانه سینمای آمریکا قدم برمی‌دارند و در ساختار و فونداسیون سینمایی که به مخاطب عرضه می‌کنند چندان قائل به نوآوری نیستند که بخش مهمی از آثار سینمای بلند داستانی ایران در دورن پس از انقلاب را باید بخشی از آن به حساب آورد.

■ **سینمای آمریکا و اروپا نماد تحجرو واپس‌گرایی**

برای معرفی آن‌تی‌تزی سینمای جریان اصلی – که در رأس آن هالیوود و اعوان‌و انصارش قرار دارند- باید ابتدا بتوانیم به‌صورت اجمالی تعریف درستی از سینمای اول و سینمای دوم ارائه دهیم تا مراد ما از وضعیت به شکل همه‌فهم‌تری به خواننده انتقال پیدا کند. سینمای اول همان سینمای هالیوود است که خصوصیت‌های مشترکی میان آثار موجود در این قالب آنها را به نظام سرمایه‌داری مرتبط می‌کند. فیلم‌های هالیوودی معمولاً با مثنی محافظه‌کار هیچ تلاشی برای برهم زدن دنیا انجام نمی‌دهند و با روی گشاده برای رؤیای توأم با دروغ آمریکایی آغوش باز می‌کنند و آن را با طیب خاطر می‌پذیرند. تدوین آثار منتسب به سینمای هالیوود عموماً

چارسو

برنامه «شیوه» برای همیشه تعطیل می‌شود؟

عطاالله بیگدلی، مجری «شیوه» در گفت‌وگو با ایرنا درباره سرنوشت این برنامه گفت: «بعد از جلسه آخر که علی انتظاری، رئیس پیشین دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی اظهارنظر جنجالی داشت، دوستان تصمیم گرفتند برنامه‌تعطیل شود.مدیر شبکه چهار با مسئولان بالاتر صداوسیما وارد مذاکره شدند و سه حالت را پیش‌بینی کردند؛ برنامه را به همین شکل ادامه بدهند، «شیوه» تغییر شکل بدهد یا کلاًتعطیل شود. تا جایی که می‌دانم هنوز تصمیمی گرفته نشده، به همین خاطر برنامه معلق است و تولید نمی‌شود.»
ادامه‌داد: «این برنامه بنایش بر منظره‌است و سیاست صداوسیما این نیست که درباره جنگ و دیگری موافق و مخالف صحبت کند؛ بنابراین اتفاقات اخیر هم در تولید نشدن برنامه تأثیرگذار بود. البته درباره «مسئله فلسطین» یک مناظره بین آقایان صادق زیباکلام و ماشاء‌الله شمس‌الواعظین برگزار کردیم. پیشنهاده ما این بود درباره اتفاقات دو ماه اخیر در همان فضا برنامه بسازیم. آقای شاه‌مردی مدیر شبکه چهار مشغول رایزنی‌اند، من نمی‌دانم تصمیم مقامات برای آینده این برنامه چیست.»
برنامه «شیوه» گفت‌وگومحور و در باب حکمرانی است که تاکنون چهار فصل از آن از شبکه چهار سیما پخش شده است. در این برنامه به موضوعات روز، مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته می‌شود و از افراد صاحب‌نظر و کارشناس دعوت می‌شود.



خطی‌اند و یک پایان خوش همه‌چیز را در این آثار ختم به خیر می‌کند. قهرمان مفرد در میان ذات بداندیش مشت‌ی آدم بد در این نوع از سینما که کاملاً منطبق بر منطق جهان سرمایه است فاتح می‌آید و زندگی خود و افراد پیرامونش را از گزند شر در امان نگه می‌دارد. فیلم‌های هالیوودی برخلاف ظاهر غلط‌انداز و جذاب‌شان بسیار دروغگویند و ساده‌اندیشی خاص خود را با عملیات فریب به جامعه هدف خویش منتقل می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر فیلم‌های ساخته‌شده توسط هالیوود با دستاویز قرار دادن ساختار سه‌پرده‌ای موجودیت نظم پیرامون‌شان را بازنمایی می‌کنند و به رسمیت می‌شناسند. این آثار در ابتدای امر جهان را در امن و آرامش به تصویر درمی‌آوردند، جهانی قرار است در پرده دوم در مواجهه با اغیار و دشمنان ترسناک تیره‌وتار شود. در پرده سوم با فرکوش کردن همه جنگ‌د عوواها، اوضاع به همان حالت قبل بازمی‌گردد و جهان غرق در آسایش می‌شود. انگار هیچ اتفاقی از اساس نیفتاده و به‌قول معروف «نه‌خانی آمده و نه‌خانی رفته است.»
نماه‌های پایانی در بسیاری از فیلم‌های هالیوودی به یکدیگر شباهت دارند و قهرمان رازخمی ولی سرحال و خوشحال از انجام مأموریتش نشان می‌دهند؛ مأموریتی که به فراخور روح زمانه در برهه‌های تاریخی اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد و هیچ‌وقت از تکاپو نمی‌افتد. فیلم‌های آمریکایی در ژانزهای پرتحرک‌تر نظیر آثار جنگی، اکشن و تاریخی یک دیگری سستیزه‌جو دربرابر آدم‌های خوب به وجود می‌آوردند تا با شیطان‌سازی از آنها سطح درگیری را افزایش دهند و با ایشان بدون هیچ منع اخلاقی درگیر شوند. این ویژگی مهم سینمای جریان اصلی آمریکاست که کاملاً براساس نگاه غالب در سیاست خارجی این کشور– که در خصومت و دشمنی با جنبش‌های آزادی‌بخش و مردم آزاده جهان معنا می‌شود- پیش می‌رود. نمی‌توان خط مشخص «دوست» و «دشمن» را در آثار هالیوودی نادیده‌گرفت و فقط در مورد ژاویه دوربین و درآمدن یا نیامدن فلان مضمون در فیلم صحبت کرد. آنها هر که را مثل خودشان فکر نکند دشمن خویش می‌پندارند و با هر وسیله‌ای که فکرش را بکنید جلویش را سد می‌کنند. لنز دوربین یکی از همین وسیله‌هاست که به‌فرومه با دشمن ایل‌وتیار سفید‌های آمریکایی به مقابله بلند می‌شود و سر شوخی با دیگری ندارد. ریک‌مان «فالیست‌ها» بد‌خواه نظم لیبرال بودند و در دوره دیگری این «چپ‌ها» و «کمونیست‌ها» بودند که باید در جبهه‌های فرهنگی از آمریکایی‌آرام و مصلح‌شکست می‌خوردند. اکنون این «جهان اسلام» است که همچون استخوان در گلوئی آمریکا گیر کرده است و پایین هم نمی‌رود، پس از راه به در کردن و معدوم ساختن این ایده‌ها با نسبت دادن صفت‌های شیطانی به آنها برای اقناع جامعه آمریکایی کاملاً عادی به‌نظر خواهد رسید. در یک نمونه حی و حاضر «کت‌ترانداز آمریکایی» را می‌توان مثال زد که فیلم‌ساز پیرانه‌سر و محبوب جهانی، یعنی کلینت ایستوود در دروژی آشکار از جنایتکاری جنگی به اسم کریس کایل یا همان اهریمن رمادی را در هیبت قهرمان بازنمایی کرد و واقعیت زندگی این فرد را با قرار دادن در یک پوسته دوروغی و پوشالی از دید مخاطبان عادی و حتی جدی‌تر سینما پنهان کرد. نوع دیگر آزارک‌ر در در سینمای به اصطلاح جدی‌تر اروپا یا «سینمای دوم» مشاهده می‌کنیم.

سینمای دوم از منظر ظاهری چندان شباهتی به فیلم‌های هالیوودی ندارد

رکوردشکنی صنعت انیمه ژاپن

رکوردشکنی صنعت انیمه ژاپن با درآمد ۲۲ میلیارددلاری

انجمن انیمیشن ژاپن (AJA) اعلام کرده صنعت انیمه این کشور در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۲۲ میلیارددلاری دست‌یافته که بالاترین میزان در تاریخ بوده و ۱۴ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۲۲ داشته است.
این گروه که از سال ۲۰۰۹ گزارش‌های سالانه صنعت انیمه را منتشر می‌کند، نتایج جدیدترین نظرسنجی خود را در بازار بین‌المللی فیلم تکویو کرد. یافته‌های انجمن انیمیشن ژاپن نشان داده درآمد‌های حاصل از آثار انیمه در خارج از کشور در سال ۲۰۲۳ در درآمد‌های داخلی پیشی گرفته است؛ به‌طوری‌که ۵۰٫۵۱ درصد از درآمد‌ها، معادل ۲۵٫۱۱ میلیارد دلار (۱۰٫۷۲ تریلیون ین) از خارج و ۴۹٫۵۰ درصد یا ۶٫۱۰۲ میلیارد دلار (۶۰۶۲ تریلیون ین) از داخل بوده است. این دومین بار است که درآمد‌های انیمه در خارج از کشور از داخل پیشی می‌گیرد و نخستین بار در سال ۲۰۰۴ بود.
انیمه یکی از عناصر کلیدی هدف دولت ژاپن برای تولید سالانه ۲۰ تریلیون ین (۱۳۰ میلیارد دلار) از طریق بازار محتوا تا سال ۲۰۳۳ است. محتواهای این کشور در سال ۲۰۲۲ حدود ۴۰۷ تریلیون ین (۳۱ میلیارد دلار) درآمد داشتند. انجمن انیمیشن ژاپن پیش‌بینی می‌کند انیمه باید ۶۰۴ تریلیون ین (۴۲ میلیارد دلار) از این هدف را در سال ۲۰۳۳ تشکیل دهد که تقریباً دو‌بار رکورد سال ۲۰۲۳ خواهد بود.



و محافل روشنفکری نهایت تلاش خود را بروز می‌دهند تا این فیلم‌ها و فیلم‌سازان‌شان را جدای از سیستم هالیوود درنظر بگیرند و با ژستی که متعلق به «نگره مؤلف» است به طرفداران هالیوود جدید و قدیم فخر بفروشند ولی آنها‌نیز در پس سینمای به اصطلاح هنری تری و جدی‌ترشان همان حرف‌های همیشگی را در ساختاری متفاوت بیان می‌کنند و در مواجهه با دنیاى غرب عملاً هیچ سلاحی در دست ندارند. سینمای مدرنیستی اروپا و در رأس آنها فدریکو فلینی، برگمان، درایر، آنتونیونی، کیشلوفسکی و… را می‌توان در این دسته قرار داد. اشتباه نکنید، بحث بر سر کیفیت آثار این کارگردانان نیست، بحث بر سر نسبتی است که این طیف از سینماگران با نظم شکل‌گرفته در غرب عالم برقرار می‌کنند. جهان انتزاعی سینمای دوم در بهترین حالت هم قرار نیست شبیه به موجی علیه سیستم صنعتی هالیوود عمل و بازارهای آن را به نفع خویش تصاحب کند، بلکه صرفاً ژستی عاری از هرگونه خطر به حساب می‌آید. پس از عبور تماشاگران از موج نوع سینمای فرانسه و فرکش کردن نگاه مدرنیستی فیلم‌سازان شاخص دهه‌های ۵۰ و ۶۰ اروپا و آسیای شرقی به مسئله انسان مدرن و همچنین از بین رفتن موجودیت نظام اقتدارگرایی اتحاد جماهیر شوروی در دنیا، بازار دیگر روی خوشی به این جریان نشان نداد و گونه‌های مختلف سینما را به نفع پول و سرمایه‌ای که در سینمای صنعتی وجود داشت از صحنه رقابت خارج کرد. اکنون‌که به بازار فیلم‌های خارجی نگاه می‌اندازیم به روند آمریکایی شدن سینمای بومی دیگر کشورها پی می‌بریم و دیگر نمی‌توانیم همچون سابق سراغی از آثار جشنواره‌پسند و مد روز گعده‌های روشنفکری بگیریم. در روزهای خوش گذشته، سینمای آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، لهستان، شوروی و… رقیب جدی آثار هالیوودی به حساب می‌آمدند و مرتبه و شکوه کم‌نظیری در میان حوزه‌های فیلم داشتند ولی اکنون حتی نمی‌توانند دربرابر سینمای آمریکا- که منافع مشترکی با یانکی‌ها دارند- به دفاع از سینمای بومی خود بپردازند و بازار را از چنگ آنها بیرون بیاورند.

■ **«سینمای سوم» قاعده را برهم می‌زند**

این «سینمای سوم» است که حداقل در ساختارهای هنری قائل به یک نوع رقابت با آثار هالیوودی و سینمای مدرنیستی و پرادعای اروپاست و اگر نمی‌توانند یا بهتر است بگوییم که نمی‌خواهد در کوتاه‌مدت بازار را تصاحب کند، لاقلاً مخاطب را با تجربه‌های زیبایی‌شناسانه جدیدتر و بدیع‌تری مواجه می‌سازد. سینمای سوم را باید درون یک ساختار و جنبش انقلابی موردبررسی قرار داد. این مدل از سینما بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا جریان دارد ولی می‌تواند به تجربه‌ای جهان‌شمول و وری مرزهای جغرافیایی نیز تبدیل شود و هیچ نیازی به قید وبندهای اخلاق سرمایه‌سالارانه نداشته باشد. فیلم‌های منتسب به موج سینمای سوم قصد دارند تصویری واقع‌گرایانه از زندگی که اجتماع پیرامون ارائه دهند و به مبارزه با استعمار نوین آمریکایی بپردازند. موضوعاتی نظیر فقر، هویت ملی، استبداد و… از مضامین اصلی این سینما به حساب می‌آیند. این اصطلاح (سینمای سوم) در ابتدا توسط فرناندو سولاناس و اکتاویو گتینو مورد‌استفاده قرار گرفت. این دو علیه هژمونی آثار هالیوودی و سینمای مدرنیستی اروپا موضع گرفتند

عرفان طهماسبی که روز ۶ آبان برای اجرای کنسرت روی صحنه رفت با

عرفان طهماسبی پول بلیت مخاطبان را برگرداند

مشکلاتی در سیستم صدابرداری در دستگاه گیزنده شخصی خود مواجه شد. او چند باری برای برطرف شدن این مشکل تلاش کرده؛ اما ظاهراً خودش از نتیجه اجراضی نبود. به همین دلیل روی سن اعلام می‌کند به دلیل اینکه اجرا برای خودش رضایت‌بخش نبوده پول بلیت مخاطبان را برمی‌گرداند. هزینه مخاطبان در شرایطی به حساب آنها مسترد شده که کیفیت اجرای طهماسبی، بالاتر از چندین اجرای زنده‌ای است که حتی در شرایط فعلی درحال برگزاری است و اینکه شخص خواننده برخلاف بسیاری از مخاطبان حاضر در سالن، از اجرای خود ناراضی‌دی دارد و حاضر می‌شود تا سهم خود را به حساب آنها مسترد کند، اتفاق جالبی است که باید پاس داشته شود. مهم‌تر از آن، حمایت کامل شرکت آوای هنر از خواننده خود است که پشت وی ایستاده و به احترام تصمیم او، علی‌رغم تقبل تمامی هزینه‌های اجاره سالن و تبلیغات و… هزینه‌کرد مخاطبان را به حساب آنها باز می‌گرداند. پس از آنکه طهماسبی موفق شد در برنامه «عصر جدید» عنوان نایب‌قهرمان را کسب کند، فعالیت هنری خود را با شرکت نشر فرهنگی و هنری آوای هنر آغاز و اولین کنسرت خود را سال ۱۴۰۳ برگزار کرد و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.



و تماشاگران خود را از سر سپردن به انفعال مرسوم در فیلم‌های هالیوودی و تجربه‌های فرمالیستی در سینمای مؤلف بر حذر داشتند. تولید مستند سه‌قسمتی «ساعت کوره‌ها» یا «ساعت آتش افروزی» در سال ۱۹۶۸ توسط فرناندو سولاناس کار بسیار شجاعانه‌ای بود، چون سولاناس نمی‌خواست به روایت مرسوم ماجرا بپردازد و سرکوب سیاسی در آرژانتین و استعمار نو را در قالب‌های امتحان پس داده‌شده قبلی به تصویر در بیاورد. بخش اول این مستند به استعمار و خشونت و همچنین تجربه سرکوب سیاسی در آرژانتین آن دوران می‌پردازخت و بخش دوم نیز به تاریخ مقاومت در این کشور را برجسته می‌کرد. سولاناس در بخش آخر فیلمش سراغ فرانتس فانون، ژان پل سارتر و چه‌گوارا می‌رود و به مسئله خشونت در نبردها و جنگ‌های رهایی‌بخش ملی واکنش نشان می‌دهد.

سولاناس، غول سینمای آمریکای لاتین بود که درطول عمرش توانست بیش از ۴۰ فیلم بلند و مستند بسازد و به تداوم جنبش‌های رادیکال فیلم‌سازی در حیط‌خلوت ایالات‌متحده، یعنی در آمریکای لاتین کمک کند. او درنظر داشت از دوربین به‌مثابه سلاح انقلاب بهره بگیرد و فیلم‌هایش را در مقام یک رهبر انقلابی به جان امپریالیسم بیندازد.

توماس گوتی‌ریز آلنا، کارگردان کوبایی دیگر چهره مهم سینمای سوم است. او با فیلم مهم «شام آخر» در سال ۱۹۷۶ سینمای سوم را به کرانه‌های سینمای روایی نزدیک کرد و توانست فیلم مخاطب‌پسندتری در مقایسه با دیگر آثار سینمای سوم تولید کند. شام آخر ماجرای گُنت، مالک ژرئوتند اسپانیایی در کوبای تحت‌استعمار در قرن هجدهم را روایت می‌کرد که تصمیم داشت شام آخر عیسی مسیح را با ۱۲ نفر از نوکرانش بازنمایی کند. این مهمانی به شکل غامض و پیچیده‌ای جلوه می‌رود و عاملیت تازه‌ای به بردگان ارباب می‌بخشد.

■ **سینمایی به‌ظاهر مخالف ولی در عمل موافق آمریکا**

در بسیاری از منابع، فیلم‌هایی نظیر «همه مردان رئیس جمهور»، «سگ‌را بجنیان» و در نمونه متأخر «جنگ داخلی» ساخته الکس گارلند را به‌عنوان نمونه‌های ضدآمریکایی و ضدسیستم معرفی می‌کنند. این نگاه ناشی از عدم فهم پدیده پیچیده‌ای به نام سینما و ناآشنایی با سازوکار مخالفت است. اگر بخواهیم فیلم‌های ضدآمریکایی را به مخاطبان معرفی کنیم، مفهوم تازه شکل‌گرفته باید تماماً مخالف شکل ظاهری و باطنی پدیده قبلی باشد و هیچ قرابتی با آن برقرار نکند. در در لایه به سینمای ایران در ابتدا عنوان کردیم آثار موجود در آن تنها از بابت مضمونی ژست مخالفت با غرب و در رأس آن آمریکا می‌گیرند و درنهایت ربطی به ضدآمریکایی بودن در معنای کلی خود ندارند. اگر قرار است مخالفت با ایالات‌متحده را به منصفه‌ظهور برسانیم باید کلیت ساختاری که این سینما را زمانبندی می‌کند از بین ببریم و در مورد آثار افشارگرایانه‌ای نظیر همه مردان رئیس جمهوری (آلن جسی پاکولا) هم ذوق‌زده نشویم، چون این رسم هالیوود است که با ساخت چنین فیلم‌هایی مفهوم مخالفت را به رقابت‌های پیچه‌گانه بر سر قدرت تقلیل دهند و در حکم مانع جدی برای سینمای سوم عمل کنند، حتی سازوکار اقتصاد این‌ای فیلم‌ها نیز سواى سینمای تجاری هالیوود و کمپانی‌های موجود در آن نیست.

هزار نویسنده مطرح جهان اسرائیل را تحریم کردند

هزار نویسنده مطرح جهان اسرائیل را تحریم کردند

پس از اعتراضات ماه گذشته ائتلاف بین‌المللی «ناشران حامی فلسطین» به ارتباط نمایشگاه کتاب فرانکفورت با اسرائیلی‌ها و انتشار بیانیه‌ای که از برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت خواست تا روابط خود را با اسرائیل قطع کنند و اقدامات این رژیم علیه مردم فلسطین را محکوم کند. نویسندگان نیز به خیل عظیم تحریم‌کنندگان اسرائیل پیوستند. بیش از هزار نویسنده جهان بیانیه‌ای در اعتراض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان این بیانیه را امضا کرده و متعهد شده‌اند که با کلیه مؤسسه‌های فرهنگی، ناشران، جشنواره‌ها یا انتشاراتی‌هایی که در نقض حقوق فلسطینی‌ها همدستند، همکاری نکنند. این نامه که با واکنش‌های متعددی روبه‌رو شده، همدردی جامعه جهانی نویسندگان و صنعت نشر را با فجایی‌که اسرائیلی‌ها در غزه رقم زده‌اند نشان می‌دهد؛ فاجعه‌ای که در نامه از آن با عنوان «عمیق‌ترین بحران اخلاقی، سیاسی و فرهنگی قرن بیست و یکم» یادشده است. امضاکنندگان این نامه صراحتاً اعلام کرده‌اند با ناشران، جشنواره‌ها، آژانس‌های ادبی و نشریاتی همکاری نخواهند کرد که در نقض حقوق فلسطینی‌ها با اجرای سیاست‌ها و شیوه‌های تبعیض‌آمیز یا توجیه‌اشغال، نژادپرستی یا نسل‌کشی اسرائیل شریک هستند، همچنین نهادهایی تحریم خواهند شد که هرگز علناً حقوق مسلم مردم فلسطین را (که در قوانین بین‌المللی تصریح شده) به رسمیت نشناخته‌اند.

